



په اروپا کی دافغان پناهندگانو دتولنو فدراسیون فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

ملیشیه سازی، بازی با زندگی مردم و ثبات کشور است!

تشدید جنگها در شمال افغانستان که معمولاً از وضع امنیتی بهتری برخوردار بود، و تأخیر در دفاع ازین ولایات از جانب نیروهای امنیتی، باعث ایجاد ترس و وحشت در میان برخی از باشندگان این ولایات و بخصوص افراد با نفوذ و قوماندانهای سابق تنظیمی که طی ۱۵ سال اخیر از جنگ افغانستان سود فراوانی برده اند، گردید. کاربرد شیوه های جنایتکارانه داعشی چون سربریدن اسرای جنگی در بدخشان و پیشروی طالبان تا چند کیلومتری مرکز شهر کندز، در تشدید اضطراب کنونی نزد برخی دولتمردان و مردم محل نقش مهم دارد. این فضا به برخی فرصت طلبان زمینه داد تا تحت نام (دفاع) از مردم منطقه برای دفاع از خود و جایگاه های باد آورده و یا کمک به حفظ قدرت روستایی و کرسی پارلمانی خود، طبل ضرورت ملیشیه سازی را بصدا آورند.

نخستین چراغ سبزی ملیشیه سازی را آقای ضیا مسعود، نماینده محمد اشرف غنی در امور "حکومتداری خوب!!" در کندز ضمن مصاحبه با رسانه ها با اظهار اینکه "قوای امنیتی و قوماندان صاحب های جهادی از کندز دفاع میکنند" نشان داد و با این کار خویش ثابت ساخت که در حکومت فعلی نه کسی مفهوم حکومتداری خوب را میدانند و نه به آن متعهد است. هیأتی که آقای مسعود را همراهی میکرد جنگسالاران سابق متعلق به تنظیمها را تمویل و مسلح نمودند تا با طالبان بجنگند. این سیلی محکمی بود که رهبران حکومت فعلی (اشرف غنی و عبدالله) بر روی اردو و پولیس کشور حواله کردند. آیا قوای ۳۲۰۰۰۰ نفری کشور توان جنگ در برابر طالبان را که تعداد مجموعی جنگنده هایش به اساس ارقام داخلی و خارجی از ۳۰۰۰۰ تجاوز نمیکند، ندارند؟ البته که نیروهای امنیتی هم مورال قوی دارند و هم شجاعت و مهارت. این رهبران حکومت فعلی و گماشتگان بلند رتبه آنها اند که فاقد قدرت نظارت از تحرکات پاکستان و طالبان، توانایی پیش بینی قدم های متعاقب دشمن و تدوین پالیسی امنیتی پیش گیرنده برای جلوگیری از حملات دشمن و تقلیل تلفات نیروهای امنیتی افغانستان اند. وقتی پالیسی سازان امنیتی از طریق رسانه ها از حملات دشمن آگاه گردیده و هر بار برای اقدام متقابل به یکی دو هفته تفکر ضرورت داشته باشند، وضعیت آنها اسفبار است. درد این پالیسی سازان را نه ملیشیه دوا کرده میتواند و نه جنگسالاران!

گزارشگر نیویارک تایمز در شماره ۲۵ ماه می ۲۰۱۵ از قول عبدال محمدیکی از قوماندانان ملیشیه در کندز مینویسد: "من قوماندان گروه ۵۰۰ نفری مستقر در شمال و شرق کندز هستم. امنیت ملی افغانستان برای ما مهمات داد و برای هر فرد گروه ۲۰۰ دالر معاش ماهانه". نیویارک تایمز در همان گزارش مینویسد: " آقای علم، یکی از بزرگترین قوماندانان ملیشیه در منطقه، بخواست حکومت، از تاجکستان آمده تا در دفاع از شهر سهم بگیرد. آقای علم طی تماس تلفونی از اینکه ملیشیا را بسیج میکند، انکار نموده گفت که تمام افرادش قبلاً توسط حکومت خلع سلاح شده اند بجز سه بادیگاردش فرد مسلح دیگری ندارد. اما یک مقام سابق امنیتی به نیویارک تایمز گفت که آقای علم هنوز هم یک شبکه ۱۵۰۰ الی ۳۴۰۰ نفری ملیشیا را در آن منطقه کنترل میکند. همین امسال رییس جمهور غنی در جریان صحبت با مشاورین خود ملیشیا را قوماندان علم را یک منبع بی امنیتی در کندز خوانده و خواستار خلع سلاح آنها شده بود. اما بعد از آشکار شدن پیشروی طالبان در کندز به همان جنگسالاران رو آورد". اسد الله قوماندان دیگر ملیشیا در مصاحبه ۲۶ می ۲۰۱۵ با تلویزیون طلوع از همکاری اش با دولت در دفاع از شهر صحبت کرد. محمد عمر والی کندز نیز در صحبت با طلوع نیوز از پالیسی تسلیح جنگسالاران و ملیشیه سازی دفاع نموده و نقش آنها را مؤثر خواند.

عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ که با استفاده از کرسی طلایی خویش، یعنی مقام ولایت بلخ و معاملات خفیه ای که چندی قبل روزنامه آلمانی زبان شپیگل از آن پرده برداشت، میلیاردی شده است، با آمدن طالبان به شمال موفق

ودارایی خویش را در خطر دیده، تحت شعار دفاع از شمال دولت مرکزی راهشدار داد که از شمال خوب دفاع کند و در غیر آن والی صاحب به پیشه قدیم خویش یعنی قوماندانی ملیشیه تنظیمی رو خواهد آورد. هر فردیکه سالهای نو میلادی را بخاطر دارد میدانند که منظور آقای نور این بود که شخصاً به ملیشیه سازی دست زده و اعضای DDR شده جمعیت اسلامی را دوباره مسلح میسازد. به گزارش نیویارک تایمز شماره ۲۵ ماه می ۲۰۱۵ آقای نور وسیعاً کار ملیشیه سازی و مسلح ساختن تفنگسالاران سابق را شروع کرده است. همین روزنامه از ملیشیه سازی در شمال توسط جنرال دوستم هم خبر میدهد. اینکه چرا معاون اول رئیس جمهور و سرپرست ولایت بلخ ملیشیه سازی میکنند؟ و این اسلحه که توزیع میگردد از کجا شده است؟ سوالهایی ست که باید آقایان غنی و عبدالله از همکاران و هم پیمانان خود بکنند و به مردم افغانستان توضیحات بدهند. بیم آن میرود که بزودی آقای محقق هم ملیشیه سازی را شروع کند و با اختلافات و روابط با کشور های همسایه که این جنگسالاران از دهه نود میلادی دارند، باز هم خطر بالقوه در گرفتن آتش خانه جنگی، تجاوز به جان، مال و ناموس مردم ملکی و تخریب دارایی های عامه را در ولایات شمال تشدید کند.

آیا اجتماع یک هزار نفری در بدخشان که خواستار تشکیل ملیشیهای محلی شد، یک حرکت خودجوش مردم عادی بدخشان بود؟ آیا اجتماع کنندگان بر علیه حاکمیت و ظلم طالبان در منطقه خود قیام کرده بودند؟ ابداً نه. این زورمندان محلی بودند که میخواستند با سواستفاده از فضای روانی ایجاد شده در حکومت، با اسلحه و پول بیت المال برای شخص خود و وکلای وابسته بخود، پایگاه زورگویی بالای مردم بی پناه محلی بسازند. زمانیکه دولت افغانستان به افراد وابسته به یکی از تنظیمها در ایجاد ملیشیا کمک کند، ناگزیر خواهد شد تا همین امتیاز را به تنظیمها و اقوام مخالف آنها هم بدهد، در غیر آن آنها برای اخذ سلاح به طالبان میبوندند. و اگر حکومت به همه گروپهای درخواست دهنده، اسلحه و معاش دوصدالری بدهد، باید منتظر خانه جنگی در تمام سمت شمال باشد. واضح است که از همچو وضعی طالبان نفع خواهند برد، نه دولت نابسامان مرکزی.

رحمت الله نبیل، رییس عمومی امنیت ملی چند ماه قبل در جریان استیضاح در ولسی جرگه، اعتراف نمود که صرف توان کنترل ۴ دروازه شهر کابل را دارد و ۲۲ دروازه دیگر در دست گروه های مسلح غیر مسؤل یعنی گروه های ملیشیهای مورد پشتیبانی وکلای شورا و مقامهای بلند پایه دولتی میباشد. اینکه حالا آقای نبیل بدست خود و با مصرف پول بیت المال در شمال کشور به ایجاد موانع در برابر تأمین امنیت و حاکمیت دولت مرکزی دست میزند، سوال بزرگی را در مورد تعهد خودش به دولت مرکزی بوجود می آورد.

بهتر خواهد بود اگر شورای امنیت ملی و مقامهای رهبری ارگانههای امنیتی افغانستان، بعوض توسل به ملیشیه سازی و امضای تفاهنامه استخباراتی با پاکستان، شیوه های کارکرد خود را مورد بازنگری انتقادی قرار دهند. آگاهی خویش از تحرکات دشمن را بالا ببرند قدرت پیش بینی قدم های بعدی دشمن را در خود انکشاف دهند و بعوض اینکه منتظر حمله دشمن باشند، به تعرض و تارومار ساختن آنها قبل از حمله دست یازند. خواست مردم مناطق جنگزده همیشه اینست که نیروهای امنیتی قبل از آغاز حمله، راه فرار را بر دشمن ببندند و بدین ترتیب از حملات بعدی آنها در یک محل دیگر جلوگیری کنند. اگر رهبران حکومت، پالیسی سازان امنیتی و جنرالان نیروهای امنیتی توان اینکار ها را ندارند، بهتر است استعفا بدهند. چه مردم افغانستان به اندازه کافی ستم ملیشیه ها و جنگسالاران را کشیده اند و نمیخواهند بار دیگر چشم شان را این سرمه های آزموده کور کنند.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

د یانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ